



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح **ایران** شنبه ۱۶ دی ۱۴۲۰ – ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵ سال بیست‌وپنجم – شماره ۶۹۴۰ – ۱۶ صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان

<b>سر مقاله</b>	<span>     </span>
غلامرضا صادقیان   سردبیر	

## کدام «ت»

## مهم‌ترین عامل مشارکت می‌شود!؟

چه چیزی عامل مهم تری در مشارکت مطلوب در انتخابات است؟ تنوع نامزدها؟ تکثر نامزدها؟ فضل نامزدها؟ یا تورم‌زایی از قیمت‌ها؟ یا یک «ترازوی» دیگری باید؟!

قصدم قافیه‌سازی یا جناس با حرف «ت» نبود و نیست. دقیقاً در نوشته‌های تحلیلمرگان چپ و راست به آن چهار مورد اول می‌پردازند، جز آنکه به تفضل نامزدها می‌گویند کیفیت نامزدها. برخی می‌گویند تنوع و تکثر نامزدها مهم نیست، کیفیت یا تفضل آنها مهم است. برخی می‌گویند (چنانکه گفتند) هیچ کدام مهم نیست، چوب خشک هم که بگذارد وسط، مردم می‌آیند، به شرطی که تورم نباشد. و مثال می‌زند که برخی از رؤسای جمهور ادوار چیزی بیشتر از چوب خشک نبودند و پشت‌میزنشین و منفعل و بی‌برنامه بودند اما رأی آوردند چون وعده کاهش تورم داشتند و دقیقاً چیزی عینی به مردم قول دادند.

اما بحث کیفیت، دعوی بزرگ‌تری درست می‌کند. هر جریان سیاسی خودش را با کیفیت و سرآمد سران و بزرگان می‌داند و رقیب سیاسی خود را کوتوله و فاسد و ناتوان می‌شمارد. برخی نیز از کیفیت تصور دیگری دارند. در یک جمع دانشگاهی در میان فلسفه‌خوانان شنیدم که یکی از اساتید توانمند فکری و بااخلاق و منطقی و استدلالی را پیشنهاد می‌کردند که اگر ایشان یک دوره هدایت کشور را به دست بگیرد، اوضاع از قعر درعربی درمی‌آید و گلستان می‌شود. من آن استاد را از دور می‌شناختم و همین قدر می‌دانستم که احتمالاً به دلیل فضایل اخلاقی شاید در تمامی دوران تدریس با یک دانشجوی لجباز هم روبه‌رو نشده‌باشد، چه رسد به اینکه در مقام هدایت و ریاست کشور بنشیند و در روز اول از چپ و راست بشنود که بودجه فلان چه شد؟ حمله فلان آغاز شد؟ توطئه فلان! قرارداد فلان! مسائل قومیتی فلان! تروریسم فلان! کمبود فلان! افزایش فلان! و آن استاد سردردگرم‌چشیده بخواد بیکاره همه را با منطق قوی خویش حل کند! این است که اگر بخواهیم درباره کیفیت بحث کنیم، احتمالاً کار به این آسانی‌ها حل نمی‌شود.

همین جلسه‌ای که به دعوت ریاست‌جمهوری از خانه احزاب برگزار شد و چهره‌های سیاسی بعضاً بدنام و بدسابقه و بدسلیقه هم حضور داشتند و حتی یکی دو شارلاتان سیاسی هم در میان آنها بود، آیا می‌تواند به‌دلیل تکثر و تنوع کیفی و مدعی کیفیت و تفضل عالی هم باشد؟!

شاید به‌همین خاطر برخی می‌گویند (و اشتباه هم نیست) که اگر تورم کاهش یابد، بر کمبودهای تنوع و تکثر و تفضل، غلبه می‌کند. نه اینکه آن سه مهم نباشند، کشور حتی با کسانی مثل دو رئیس‌جمهور قبلی هم از مهلکه گریخت که نشان از قوت بنیه و بنیاد مردمی و رهبری و نهادهای مؤثر دیگر در کشور بود. اما در عین حال برخی معتقدند کاهش تورم چیزی است!

از طرفی اکنون آن طور که از واکنش احزاب و جریان‌ها می‌توان فهمید، مانند قبل از نظارت استصوابی نمی‌نالند، در طرف مقابل هم برخی طرفداران قدیمی نظارت استصوابی از شورای نگهبان می‌خواهند برای ایجاد رقابت بیشتر، کمی فتیله نظارت را پایین بکشد و اگر صلاحیت نامزدها را احراز نکرد، از این احرازنشدن را با نداشتن صلاحیت، یکی کند. حتی هستند کسانی که بیشتر از این‌ها از شورای نگهبان انتظار دارند و فراموش‌شدن مقدمات چهار اصل منظور رهبری را در ضمانت نظارت آسان‌گیرانه‌تر می‌دانند.

هر چه هست، اینکه برخی رؤسای‌جمهور و نمایندگان مجلس در پایان دوره، از مطرودان و فاقدان صلاحیت هستند، به هر دو دسته فوق‌آمده می‌دهد که ساختارها مهم‌تر از اشخاص هستند. پرسش مهم باید این باشد که چگونه مدیریت کنیم و نه آنکه چه کسی مدیریت کند. در «چگونه مدیریت کردن»، آدم بد هم وقتی وارد سیستم سالم شد، ناچار است خوب عمل کند و بر عکس، در «چه کسی مدیریت کند»، آدم خوب هم وقتی به قدرت رسید، بد عمل خواهد کرد.

به‌همین خاطر اگر مردم ببینند با گسترش چتر قانون و عدالت، هیچ نماینده و وزیر و هیچ مدیر و کارگزاری اجزای تریب نه‌دید و تخلف از قانون و ساختار سالم را نمی‌یابد و «ترازوی عدالت» برپا می‌ماند و دست کارگزاران روی شاهین ترازوست، صندوق‌ها را هم پر خواهند کرد، زیرا احساس می‌کنند که رأی‌دادن آنان درست بوده و فایده عملی داشته است. انتخابات، مهم است و سرنوازش کشور به یک انتخابات سالم و رقابتی و انتخاب افراد باکیفیت و فاضل و فاخر بستگی دارد که حافظ ساختار سالم و نگهبان «ترازوی عدالت» باشند.

■ سخنگوی شورای نگهبان: بیش از ۲۱هزار نفر واجد شرایط ثبت‌نام بودند که پس از بررسی صلاحیت حدود ۱۱هزار نفر مورد تأیید قرار گرفت که این عدد دو برابر تأییدصلاحیت‌ها در انتخابات مجلس قبل است. در بین تأییدصلاحیت‌شده‌ها، ۴۰۰نفر استاد دانشگاه، ۱۵۰نفر پزشک و کادر درمان، هزار و ۳۰۰نفر فرهنگی و ۲۰۰نفر از وکلا و قضات حضور دارند. ۴۰۰نفر دهه هفتادی و ۳هزار و ۷۰۰نفر دهه شصتی هستند و سه برابر تعداد کرسی‌های مجلس از بانوان تأییدصلاحیت شده‌اند

# هر صندلی مجلس ۳۸ نامزد رقیب دارد

■ ۲۶نفر از نمایندگان فعلی مجلس از میان نمایندگان ثبت‌نام بودند که برای شرکت در انتخابات پیش‌رو ثبت‌نام کرده‌اند تااین مرحله تأییدصلاحیت‌نشده‌اند که این میزان نسبت به دوره قبل که ۹۰نفر بود کاهش قابل توجهی داشته است. زمان دقیق اعتراض داوطلبان عدم‌تأیید یا عدم‌احراز صلاحیت‌شده از ۱۷ تا ۱۹دی ماه است که داوطلبان فرصت دارند شکایت خود را به شورای نگهبان اعلام کنند. زمان اعلام نتایج اولیه بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز چهارم بهمن است |**صفحه ۶**

# کرمان قوی‌تر به میدان آمد

یک روز پس از کشتار تروریست‌ها در کرمان، مردم این شهر پرشمار تر و قوی‌تر محل انفجارها را دوباره پر کردند تا آن پیام دیرینه خود را که امریکا و صهیونیسم جهانی از شنیدن آن عاجز است، فریاد بزنند: ما ملت امام‌حسین و سربازان حاج‌قاسم سلیمانی هستیم. میدان را خالی نمی‌کنیم و شما را از جنایت پشیمان خواهیم کرد |**صفحه ۲**

## وزارت اطلاعات: مرتبطان تیم تروریستی کرمان در ۶استان دستگیر شدند| همین صفحه



▼**نیم‌قرن است که غرب می‌خواهد مردم ایران را از انقلاب و فکر انقلاب جدا کند اما هربار با صحنه‌ای روبه‌رو می‌شود که فکرش را نکرده است**
📷 ریاست‌جمهوری

## این خون‌ها نه دلمان را می‌لرزاند و نه پای رفتنمان را لنگ می‌کند

تکان دهنده! گوشه اتاق تربت‌نشستم و چهره زائران را در ذهنم مرور می‌کردم، آن دختر ۸ساله را که به عشق حاج‌قاسم حجاب بازر داشت و خود را دختر حاج‌قاسم می‌نامید، آن پیرزن که پای پیاده به سمت گلزار شهدا می‌آمد و از همه عشقش به حاج‌قاسم برای ما گفت، آن مرد سیستانی که با همه اهل و عیالش از زاهدان به کرمان آمده بود، آن مرد زرتشتی که آمده بود تا غیرت حاج‌قاسم تمجید کند.

عکس‌ها و فیلم‌های انفجار را که دیدم، افسوس‌خوردم که چرا کار مصاحبه با زائران را بیشتر ادامه ندادیم، چون محل انفجار دقیقاً همان جایی بود که ساعتی پیش برای تهیه گزارش در آنجا مستقر بودیم. حاج‌قاسم عذارار خون‌زائرانش شد. کاش بدانند «ما گرز سر بریده می‌ترسیم در محفل عشاق نمی‌قصیدیم» این خون‌ها نه دلمان را می‌لرزاند و نه پای رفتنمان را لنگ می‌کند.



مزار سیدالشهدای مقاومت، برای تهیه گزارش دیگر سمت اتاق تربت راه افتادیم. هنوز به اتاق نرسیده بودیم که صدای انفجار بلند شد و خبر آمد زائران حاج‌قاسم در خون غلتیدند، خیر تلخ بود و

## وزارت اطلاعات: مرتبطان تیم تروریستی کرمان در ۶استان دستگیر شدند

رتوریستی و مرتبطین آن در شش استان کشور شناسایی و بازداشت شدند. قطعاً این عملیات تا بازداشت آخرین فردی که به هر شکل و به هر اندازه در پشتیبانی از جنایتکاران مورد نظر دخالت داشته‌است، استمرار خواهد یافت.

۸. حضور گسترده ملت شریف ایران اسلامی در ادامه گردهمایی‌های بزرگداشت شهید سلیمانی (ره) و نیز در مراسم تشییع شهدا و محکومیت شدید آن اقدام کورر توریستی، همچون همیشه خنثی‌کننده‌فتنه‌ها و توطئه‌های دشمنان، از جمله مزدوران داعشی و داعش‌سازان امریکایی و صهیونیستی بوده و خواهد بود. سربازان گمنام امام‌زمان (عج) ضمن تعظیم در برابر عظمت این ملت بزرگ، با تأسی به منویات رهبر حکیم انقلاب اسلامی، اطمینان می‌دهند که «سربازان راه سلیمانی به زدالت جنایتکاران، پاسخ سختی خواهند داد».

<b> یادداشت حوادث</b>	<b> حسین فصیحی</b>   دبیر گروه حوادث
<b> ناامنی محصول بی‌توجهی است</b>	<b> تاپیش از این مجرمانی که قصد دستبرد به مغازه‌های طلافروشی یا بانک‌ها را داشتند و از مجرمان حرفه‌ای بودند، دست به سلاح می‌شدند، اما ما گزارش‌های بسیاری منتشر کرده‌ایم که عاملان آن برای سرقت از دوغ‌غده‌هایی است که توجه به آن می‌تواند در چندسال اخیر ما شاهد هیچ اقدام پیشدستانه‌ای از سوی نهادهای قانونی برای مسدودسازی مرزها یا جمع آوری سلاح‌های غیرمجاز نبوده‌ایم. بروز جرائم مسلحانه آسیب‌های بسیاری را به دنبال دارد. وقتی اخبار و گزارش‌های این حوادث در بستر اجتماعی منتشر می‌شود، بیش از هر چیز احساس ناامنی را افزایش می‌دهد  <b>صفحه ۱۴</b></b>

<b> یادداشت سیاسی</b>	<b> کبری اسپولار</b>   خبرنگار گروه سیاسی
<b> انتقام «علی‌کریمی»ها از مردم ایران</b>	<b> مهدی سعیدی</b>
<b> از مردم ایران</b>	<b> اخلاق در بازار انتخابات</b>
<b> ریکته است   صفحه ۲</b>	<b> توجیه به مسائلی از قبیل پرهیز از دروغ، تهمت و ناامیدی را می‌گذارند و گرچه با کاسبی از آشوب‌های زن، زندگی، آزادی توانست حتی اجازه‌اقامت در امریکا را بگیرد، اما در واقع امر او یک شکست‌خورده است. خودش هم با همه کندذهنی سیاسی این را دریافته و فحاشی امروز او به زنان ایرانی، به قربانیان ترور و در واقع به مردم ایران، انتقام از این شکست است. آن قدری هم شخصیت ندارد که بتواند این انتقام را در یک چارچوب ظاهر‌آبا دیسیپلین پیش ببرد و همه بی‌اخلاقی‌چودش را بیرون ریخته است  <b>صفحه ۲</b></b>

### دلم پر است از آنان که اسوه می‌سازند!

سردبیر: استاد افشین علادر سروده‌ای ضمن محکوم کردن ششادی علی کریمی از فاجعه کرمان، ابیاتی قابل تأمل که مضممن نگاه تحلیلی ایشان به چرایی پیدایش چنین موجوداتی است، سروده‌اند که حاوی معانی درست و عمیق است، هرچند ممکن است دوستداران ایشان در مضمون برخی از این ابیات دچار تردید یا پرسش شوند یا با برخی از ابیات مشکل داشته باشند اما بر کسی علق و محبت استاد به مراسمات مذهبی و سروده بی‌شمار ایشان در محبت به آل‌الله پوشیده نیست و آن اشاره به «گره یا مدح و نوحه» قطعاً باید در متن ابیات دیگر فهمیده و سنجیده شود. «چوان» با احترام به ایشان این سروده قابل تأمل را منتشر می‌کند.

غذای نذری و شربت؟ چه گفت مردمک پست؟

گدای اجنبی افسار خود چگونه گسست؟

زبان الکن این لات، از چه لال نشد؟

میان دست یلیدش قلم چرانسکست؟

دهن کجی به شهیدان و ادعای شعور؟

مجیز گویی خصم و به خلق، ضربت شست؟

کسی که نان‌سکان می‌خورد چه می‌فهمد؟

غذا و شربت نذری نشانه‌ی شرف است

حرام‌خوار چه داند که شد به کام شهید

نه‌نان و شربت نذری، که می‌ز جام‌الست

به خویش غره نگردد! خطاب من نه به اوست

که شأن شاعر دل‌خون کجا و جاهل مست؟

دلم پر است نه‌از او که نیست جز مگسی

دلم پر است ز مصدر نشین سقله پرست

دلم پر است از آنان که اسوه می‌سازند

به دست خویش برای جوان ز مردم پست

ز صاحبان مناصب که از خصومت‌شان

هر آن که ناصح و دلسوز بود و نخبه، نرست

هر آن که گیشه پسندید، نورچشمی شد

هر آن که شوت بلد بود و گل، به صدر نشست

گناه‌را از سلبریتیان مبین که نظام

خودش به تازه به دوران رسیدگان دل بست

برای مردم دانار سانه هست؟ که نیست

سخن‌شناس و هنرور به خانه نیست؟ که هست

ز مدح و نوحه، جوانان چقدر گر به کنند؟

ز نطق‌های شعاری چه آورند به‌دست؟

خطای شیوه‌ی تبلیغ و حکمرانی ماست

گدای غرب، اگر حرمت شهید شکست



### فقط این سه‌نفر:

### روحانی، علی کریمی وز بباکلام!

■ **علی علوی**

واکنش سه‌نفر از به‌اصطلاح ایرانیان به فاجعه کرمان درس آموز است، هر چند چه قلیل‌اند درس آموزان!

آقای روحانی، رئیس‌جمهور پیشین که البته تشکیلات حفظ آثار دارد و چه‌بسا به خود زحمت نداده باشد، متنی را که تشکیلاتش برای او تهیه کرده‌اند، یک بار بخواند، در عباراتی که یک ننگ‌تمام‌عیار است، عملیات تروریستی فاجعه‌باری را که داعش به‌عهده گرفته و کسی باور نکرده و آن را همگان، کار مشترک موساد و سبا می‌دانند، به فقدان «آزادی‌های مشروع» در کشور ربط می‌دهد! البته فقدان «نیروهای دلسوز با نگاه ملی» که حتماً منظورش خودش و آن تیم و دسته اسفناکش هستند.

معلوم نیست کدام از خدای‌خبری و از سیاست و انسانیت بی‌خبری چنین متنی را برای او تنظیم کرده است که دست آلوده به‌خون موساد و سبا و داعش–هر که هست–را به مقوله‌ای داخلی ربط می‌دهد: «تقویت امنیت کشور صرفاً وظیفه نهادهای امنیتی، اطلاعاتی، انتظامی و قضایی پس از وقوع حوادثی از این دست نیست بلکه مقوله‌ای چندوجهی است.... امنیت پدیده‌ای است که با تحصیل آزادی‌های مشروع، تضمین حقوق اساسی ملت و به‌کارگیری نیروهای دلسوز با نگاه ملی و جذب حداکثری تقویت خواهد شد.»

البته تشکیلات و دوستان ایشان در ماه‌های اخیر مرتب با شایعه‌افکنی درباره جان‌شینی رهبری و مسائل امنیتی دیگر نشان داده‌اند که امنیت و آرامش کشور ذره‌ای برای آنان اهمیت ندارد ولی اینچنین بر سر سفره داعش و موساد نشستند و از تزاوق کردن، فقط از عهده تشکیلاتی ناسالم و فاسد برمی‌آید.

اگر بخواهیم انعکاس همین نوع موضع‌گیری را در قشر روشنفکر دانشگاهی نیز ردیک به تیم رئیس‌جمهور سابق ببینیم، باهترین مثالش صادق زیباکلام است، هر چند زشت است سخنی و او نام‌بردن از او. زیباکلام هم از موساد و سیا را رافع اتهام کرده و گفته همه شواهد و قرائن نشان می‌دهد عملیات تروریستی کرمان، بعد است کار اسرائیل باشد، اسرائیل نمی‌آید افرادی را که هیچ گناهی ندارند و فقط در آن مکان حضور داشتند از بین ببرد! او بعد اوج ذالت و سقوط اخلاقی خودش را با این عبارت نشان داده است که «حتی‌اگر کسانی که کرمان کشته شدند، طرفدار جمهوری اسلامی باشند، حششان کشته‌شدن نبود!» این مایلیخولیا و پرشدن ذهن و مغز با جلبک و لجن است که از یک به‌اصطلاح ایرانی چنین موجود غیرقابل‌تحمل و قابل‌ترحمی می‌سازد که دقیقاً آن شبکه‌هایی که با خون مردم ایران رونق می‌گیرند، مشتري او باشند و از او مطالبه سخن و تحلیل کنند.

مورد مبتذل این سه‌گانه که صدای برخی از همان هم‌تیمی‌های رئیس‌جمهور سابق را هم درآورده، بی‌آنکه به‌شاهت‌های ساختاری پیام خودشان با این پیام مبتذل توجه کنند، به علی کریمی تعلق دارد که از هم‌مواطنان گفت استاد افشین علا درباره او که شأن ما نیست که از جاهل مستی همچو او دم بزنی‌م، بلکه اشاره ما به متولیان امور از هر جناح و دسته‌ای است که سلبریتی‌پروری را در کشور دامن زدنند و از همچو‌اویی برای جوانان، الگو می‌سازند.

این سه‌واکنش ناجوانمردانه و خفت‌بار در فضای مجازی همراهانی هم از مردم عادی داشته که آنها را باید دنباله‌روان این چنین کسان دانست: «نفس اول را راند بر نفس دوم ماهی از سر گنده گردنی ز دم». وقتی مصدّر نشینان فاسد شدند، چه انتظاری از مگمان دور شیرینی.